

علل سوگندهای خداوند در قرآن کریم

معصومه بیگدلی^۱

چکیده

علل سوگندهای خداوند در قرآن کریم؛ واژه سوگند در زبان فارسی مترادف قسم در زبان عربی است. سوگند عبارت است؛ از اقرار و اعترافی است که شخص بر روی شرف و ناموس خود کرده و خداوند یا بزرگی را شاهد گیرد. در قرآن کریم صد و هجده مورد قسم در ضمن صد و چهار آیه آمده، که نود و پنج مورد آن سوگندهای خداوند است. خداوند با علم مطلق، صداقت مطلق، و بی‌نیازی مطلق هدف‌های والا و مهمی برای سوگندهای خود دارد، این نوشتار سعی کرده با روش بنیادی پاسخ دهد. علل سوگندهای خداوند در قرآن کریم چیست؟ خداوند با در نظر گرفتن حال مخاطب در سخن گفتن با اهداف خاصی در قرآن سوگند یاد می‌کند. تأکید فایده‌همیشگی سوگندهای خداوند است، که به تقویت ایمان کمک کرده، کفر را تضعیف می‌کند. از دیگر علل سوگندهای خداوند تعظیم و بزرگداشت مقسم‌علیه و مقسم‌به است، که به شکل تضمینی در درون سوگند نهفته است. استدلال، آگاه کردن انسان از منافع موجود در موارد قسم، اصلاح رفتار انسان، تشویق مخاطب، واقعیت داشتن اموری که مورد شک و انکار هستند، پندآموزی، یقینی بودن مقسم‌به، اتمام حجت از دیگر علل سوگندهای خداوند است.

کلید واژه: سوگند، قسم، یمین، مقسم‌به، مقسم‌علیه، سوگندهای قرآنی، سوگندهای خداوند.

مقدمه

^۱ . طلبه سطح دو، مدرسه علمیه امام جعفر صادق (علیه‌السلام) بوبین زهرا، m.bigdely۷۹۷@gmail.com

یکی از ابزارهای ارتباطی خداوند با بشر سخن گفتن است. خداوند در قرآن کریم از سخن و کلام بهره برده است. سخنان قرآن کریم از والاترین سخنان است و در اوج بلاغت و فصاحت قرار دارد. خداوند برای انتقال معارف خود از اسلوب‌های گوناگون سخن استفاده کرده است. یکی از اسلوب‌ها و روش‌های شیوایی سخن که با توجه به اقتضائات حال مخاطب در قرآن از آن استفاده شده؛ سوگند است. سوگند اقرار و اعترافی است که شخص بر روی شرف و ناموس خود می‌کند و خدا یا بزرگی را شاهد گیرد، مانند قسم به خدا، رسول، امامان و بزرگان. در قرآن کریم نود و سه قسم ذکر شده، که این سوگندها در چهل سوره قرآن پراکنده است. سوگندهای قرآن بسیار متنوع است. خداوند در برخی از آیات قرآن به ذات پاک خویش قسم می‌خورد، در مواردی نیز به مخلوقات خود از جمله قرآن کریم، جان پیامبر... در فرآیند سوگند، انسان زمانی به سوگند متوسل می‌شود، که به صحت سخنان خود یقین نداشته باشد، گمان می‌کند سخنانش مورد پذیرش مخاطب قرار نمی‌گیرد. به همین جهت برای تقویت باور مخاطب سوگند یاد می‌کند. در هنگام سوگند نیز به چیزهایی سوگند می‌خورند، که ارزش و حرمت آن نزد مخاطب بالا باشد. با عنایت به کارکردهای سوگند در عرف، هیچ دانشمند و صاحب نظری برای اثبات دیدگاه‌های خود سوگند نمی‌خورد؛ بلکه دلیل و مدرک ارائه می‌کند. حال خداوندی که عالم مطلق، قدرت مطلق و غنی مطلق است، چرا برای اثبات حقانیت خود از سوگند بهره برده است؟ آیا خداوند از گفته‌های خود مطمئن نیست؟ از طرفی در فقه اسلامی خداوند سوگند خوردن را به شدت نکوهش کرده است. پس چرا خود این عمل را بارها در قرآن تکرار کرده است؟ گاهی این پرسش‌ها موجب می‌شود؛ تا برای برخی شبهاتی درباره سوگندهای خداوند مطرح شود، این شبهات حقانیت و الهی بودن قرآن را تهدید

کرده آن را سخنان بشر معرفی می‌کند. به همین دلیل در این نوشتار برآنیم تا بدانیم؛ علل سوگندهای خداوند در قرآن کریم چیست؟ پاسخ به این پرسش سند علمی است برای کسانی که به دنبال آگاهی بیشتر از معارف قرآن هستند. همچنین یک مدرک متقن برای کسانی که با پرسش‌های مذکور شبهه غیرالهی بودن قرآن را مطرح می‌کنند، یا به آن دامن می‌زنند. این مسئله در علوم مختلف از جمله؛ دینی، تفسیری، روانشناسی، اخلاقی، جامعه‌شناسی، فرهنگی، ... قابل بررسی است؛ ولی با توجه به اهداف پیش‌رو این نوشتار از نظر دینی و تفسیری بررسی می‌شود. در این زمینه کتاب‌هایی همچون ۱. سوگندهای پر بار قرآن تألیف ابوالقاسم علیان‌نژادی شامل اقسام سوگند، سوگندهای یازده‌گانه، سوگندهای پنج‌گانه، سوگندهای چهارگانه، سوگندهای سه‌گانه، سوگندهای دوگانه و سوگندهای یگانه و در کل تک تک آیات قسم بررسی می‌شود. ۲. راز سوگندهای قرآن تألیف علی سلطانی‌گرددفرامرزی شامل سوگند در قرآن، بررسی آیات سوگند، مباحث مربوط به آفرینش... ۳. فروغ ابدیت تألیف جعفر سبحانی تبریزی؛ یکی از مباحث این کتاب درباره غزوه‌ای به نام «ذات‌السلاسل» است، که در آن کسی فلسفه سوگندهای خداوند را با لحنی سرزنش‌گرایانانه می‌پرسد؛ سوگند بر اسبان نفس‌زنان چه علت مهمی می‌تواند داشته باشد؟! گویا این امر فاقد اهمیت است. نگارنده در جواب وی علل این سوگند را بیان می‌کند. ۴. آشنایی با قرآن تألیف مرتضی مطهری؛ در بخشی از این کتاب نویسنده به بررسی آیه «لا اقسام بیوم القیمة» پرداخته است. ایشان می‌گویند؛ در زبان عربی گاهی انسان تلویحاً قسم می‌خورد؛ نه تصریحاً و آن وقتی است، که می‌خواهد بگوید؛ جای سوگند خوردن است؛ من سوگند نمی‌خورم. این از نظر ادای سوگند بلیغ‌تر است. سپس درباره مفاد سوگندهای الهی در قرآن

سخن می‌گوید. ۵. تحلیلی بر سوگندهای قرآن تألیف محمد فاخر میبیدی نویسنده ابتدا به تعرف قسم از دیدگاه مفسران، ادیبان و حقوقدانان و بعد انواع سوگندهای قرآن را مورد بحث قرار می‌دهد. سوگندهای قرآن را به دو دسته التزامی و تحقیقی تقسیم می‌کند. در نهایت برای آن‌ها نمونه‌هایی بیان می‌کند. و کتاب‌های دیگر. وجه تمایز این کتاب‌ها با نوشتار حاضر این است که کتاب‌های مذکور بیشتر به مفهوم سوگند پرداخته و در بعضی از آن‌ها تنها بخش کوتاهی از کتاب را به علل سوگند اختصاص داده‌اند. از طرفی، از بین آیات بسیاری که در آن‌ها سوگند وجود دارد، به علت محدودی از آن پرداخته‌اند، گاهی نیز علل سوگندهای قرآنی مورد بررسی قرار گرفته است؛ نه علل سوگندهای خداوند در قرآن؛ ولی در این نوشتار به علل سوگندهای خداوند در قرآن کریم می‌پردازیم، که در این بین بخشی از سوگندهای قرآنی از دایره بحث خارج می‌شود. در این زمینه مقالاتی نیز به رشته تحریر درآمده است؛ ۱. سوگندهای قرآن، تألیف ابوالقاسم رزاقی (طالقانی) شامل داستان پیامبران، سوگندهای قرآن... ۲. سوگندهای قرآن، تألیف ابوالفضل زارعی نژاد در این مقاله نگارنده دو فایده از قسم‌های خداوند را مطرح کرده و بعد به بررسی قسم خداوند به نام پاکش، جان پیامبر، قرآن... می‌پردازد. ۳. انواع سوگند در قرآن و فلسفه آن‌ها، تألیف یحیی یاوریان؛ در این مقاله مواردی که در قرآن بدان‌ها سوگند یاد شده بررسی و پیرامون فلسفه آن‌ها به اختصار تحقیق شده است. وجه تمایز مقالات مذکور با متن پیش رو این است، که به طور تصریح به مسئله علل سوگندهای خداوند در قرآن کریم پرداخته نشده است. در حالی که پژوهش حاضر به شکل منسجم و مستقیم علل سوگندهای خداوند در قرآن کریم را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مفهوم سوگند

سوگند یک واژه فارسی است، که به همراه فعل خوردن به کار می‌رود. روشی که مردم برای اثبات اتهام متهمان در گذشته از آن استفاده می‌کردند. عمید در فرهنگ فارسی می‌نویسد: «سوگند در اصل سوکنته به معنای گوگرد و سوگند خوردن به معنای خوردن گوگرد است.»^۱ نوعی آزمایش که برای تشخیص گناهکار از بی‌گناه، مقداری گوگرد مخلوط با آب را به متهم می‌خورانیدند؛ چنانچه متهم بعد از خوردن گوگرد زنده می‌ماند؛ بی‌گناه و اگر گوگرد در وی اثر کرده او را می‌کشت، فرد را گناهکار و دروغگو می‌شناختند. سوگند مترادف واژه قسم در زبان عربی است. در لسان‌العرب آمده: «قسم» در لغت به معنای جزء جزء کردن و «قسم» به معنای بهره بردن.^۲ تعریف اصطلاحی سوگند در فرهنگ فارسی معین آمده است: «سوگند اقرار و اعترافی است که شخص بر روی شرف و ناموس خود می‌کند و خدا یا بزرگی را شاهد گیرد، مانند قسم به خدا، رسول، امامان و بزرگان.»^۳ راغب اصفهانی می‌نویسد: «وجه نام‌گذاری سوگند یاد کردن به قسم این است که یاد کننده قسم گویا با سوگند خوردن در هر جایگاهی که باشد، از زیبایی و جمال آن چیزی که به آن قسم می‌خورد، بهره‌ای می‌برد.»^۴ برخی نیز سوگند را معادل حلف و یمین در زبان عربی دانسته‌اند؛ زیرا عرب در هنگام پیمان بستن و هم سوگند شدن دست راست یکدیگر را می‌فشرده‌اند. بنابراین از باب مجاز به آن یمین گفته‌اند.^۵ علامه طباطبایی نیز معتقد بودند: «قسم یعنی مقید کردن خبر یا انشاء به موجود شریفی که اگر یادکننده

^۱. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۴۸۵.

^۲. ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱۲، ص ۴۷۸.

^۳. معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۹۵۶.

^۴. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب‌القرآن، ص ۶۷۰.

^۵. ر.ک؛ قریشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۷۳.

۲-۵) استدلال به سوگندها بر مطلبی که برای آن سوگند یاد می‌شود.

از جمله حکمت‌های استعمال سوگند در کلام خداوند استدلال بر هدفی است که در آن سوگندها نهفته است. این سوگندها گواه و دلیل بر درستی مطلبی است که برای آن سوگند یاد شده است و به منزلهٔ برهانی است که آن چیز را ثابت می‌کند. عبدالحمید فراهی معتقد است. اگر خداوند سوگند یاد می‌کند قصد استدلال آوردن برای گفتهٔ خویش با شاهد قرار دادن چیزهایی است، که به آنها سوگند می‌خورد. وی معتقد است در ادبیات عرب گاه به زمین، اسباب، باد، دیگر اشیاء با الفاظی که دلالت بر سوگند می‌کند، گواه می‌آورد. مانند کسی که دربارهٔ قاتل پدرش می‌گوید: «سوگند به اسبم و در گوشش سوگند به نیزه‌ام و چیکانش و سوگند به شمشیرم و لبهٔ تیزش که هیچ مردی قاتل پدرش را که در مقابل دیدگان اوست، رها نمی‌کند. این شخص قصدش از سوگند به این اشیاء آن است که استدلال کند، که وقتی همهٔ شرایط انتقام از اسب و نیزه... برای حمله و ضربه زدن فراهم است. چرا باید آن را رها کنم. وی معتقد است، زمانی که خداوند به اشیاء سوگند یاد می‌کند. گاهی نقش بالایی ندارند و به تصریح آن چیزهایی هستند؛ که تحت سلطهٔ خداوند و رام و مطیع خداوند هستند. پس غرض از سوگند تنها گواه آوردن است نه بزرگداشت.^۱ علامه طباطبایی یک قاعدهٔ کلی دربارهٔ این سوگندها بیان می‌کند و می‌گوید: «و هنگامی که در سوگندهای سخن اهی دقت کرده و در آن بیندیشی در خواهی یافت که «مقسم‌به» در آن‌ها برهانی بر درستی جواب قسم است. مانند گفتار خداوند متعال دربارهٔ رزق که می‌فرماید: «فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ اِنَّهُ لِحَقِّ مِثْلِ مَا اَنْتُمْ تَنْتَقُونَ؛ سوگند به پروردگار آسمان‌ها و زمین که این مطلب حق است همان‌گونه که شما سخن می‌گویید.»^۲ قسم از شخص حکیم می‌تواند نشان دهندهٔ استدلال و برهان ضمنی به آنچه قسم برای آن یاد شده باشد.^۳

۶. قسم برای پندآموزی:

^۱. ر.ک؛ خرقانی، همان، ص ۹.

^۲. ذاریات: آیه ۲۳.

^۳. طباطبایی، همان، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

از دیگر علل سوگندهای خداوند پندآموزی و عبرت گرفتن از موارد سوگند است؛ زیرا وقتی در چیزهایی که خداوند آن‌ها سوگند یاد کرده دقت کنیم، درمی‌یابیم یا از چیزهایی است که مردم آن‌ها را انکار می‌کنند، از آن عبرت نمی‌گیرند. یا آن‌ها را کوچک می‌شمارند و از فایده آن‌ها غافل‌اند. و حکمت‌های خداوند در آفرینش آن‌ها را نادیده می‌گیرند. یا برای آن‌ها شأنی بالاتر از آنچه خداوند برای آن‌ها در نظر گرفته قائل هستند. بنابراین غرض خداوند از سوگند این است، که می‌خواهد مردم را از وهم و غفلت خارج کند. و موقعیت هر کدام از موجودات را به درستی نشان دهد. هدفش بالا بردن شأن آن‌هاست. برای کسانی که اعتقاد نادرستی درباره پدیده‌ها دارند. هدفش تغییر اندیشه آن‌ها و آگاهی بخشیدن به باور و اعتقاد آن‌هاست. مثلاً گروهی که آن‌ها را خدای خود می‌دانستند. خداوند با سوگند به آن‌ها ارزش آن‌ها را یادآور و ثابت کرد. که آن‌ها آفریده خدا و تحت سلطه او هستند. بنابراین اشیاء و موجودات مورد قسم وسیله رحمت و نعمت الهی هستند. پس آن طوری که از آیات قرآن استفاده می‌شود، سوگندهای قرآن بهترین وسیله جهت ترغیب و گرایش افکار انسان به پژوهش در مسائل و موجودات جهان است. تا از این راه درهای علوم مختلف به روی انسان باز شود.^۱

۷. برای بیان واقعیت داشتن اموری که مورد انکار یا شک و تردید مردم است.

گاهی مقسم‌علیه مورد انکار بوده یا آن را خیالی می‌پندارند. مانند فرشتگان، قیامت، نفس لوامه، نفس اماره و غیر آن در این حالت خداوند هدفش اثبات مقسم‌علیه و توجه دادن به واقعیت داشتن مورد قسم است.^۲

۸. اصلاح افکار

یکی دیگر از عللی که قرآن به امور مختلف سوگند یاد شده این است، رد افکار خرافی و اعتقادات جاهلانه‌ای که انسان‌های قدیم نسبت به امور مختلف داشتند. مثلاً اعراب جاهلی کار کردن در بعد از ظهر را بد یمن می‌دانستند، به خاطر اعتقاد بد خود ضررهای اقتصادی و اخلاقی فراوانی می‌دیدند. نسل معاصر نیز انجام کار خیر را در عصر خود غیر ممکن می‌دانستند. در این شرایط خداوند با قسم خوردن به عصر که هم بعد از ظهر و هم به معنای دوره و زمانه است، اهمیت زمان را بیان می‌کند.

^۱. ر.ک؛ الجواهر طنطاوی، ج ۲۵، ص ۲۵۸، به نقل: از سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی.

^۲. ر.ک؛ طبرسی، مجمع البیان، مترجم: هاشم محلاتی، ج ۱۰، ص ۲۵۴.

۹. یقینی بودن مقسم‌به:

خداوند درباره مقسم‌به و مسائلی که مردم آن‌ها را باور ندارند، سوگند یاد می‌کند؛ تا یقینی بودن آن را به مردم هشدار دهد. چنان که برای نشان دادن درستی رستاخیز به آن سوگند یاد شده است.^۱ «لا اقسام بیوم القیامه؛ سوگند به روز قیامت»^۲

۱۰. اتمام حجت:

در بعضی از آیات هدف خداوند از سوگند اتمام حجت با انسان است. مثلاً در سوره نساء می‌فرماید: «فلا و ربک لا یؤمنون؛ به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود.»^۳ و یا در سوره حجر می‌فرماید: «فو ربک لئنسئلتهم اجمعین؛^۴ به پروردگارت سوگند از همه آن‌ها سؤال خواهیم کرد.»^۵

نتیجه‌گیری

با توجه به اهداف سوگندهای خداوند در قرآن می‌توان نتیجه گرفت؛ سوگندهای خداوند در قرآن تفاوت زیادی با سوگندهای انسان دارد. خداوند سوگندهایش را با حکمت و علم مطلق و بی‌نیازی مطلق بیان می‌کند. از اساسی‌ترین اهداف سوگندهای خداوند در قرآن تأکید است، که همیشه همراه سوگند است. به ویژه زمانی که مقسم‌به در کلام ذکر نشود. خداوند در قرآن با توجه به اقتضائات حال مخاطب فضای فکری و برای اثبات حقانیت خود و از بین بردن شرک از سوگند استفاده کرده‌اند. تأکید و قاطعانه سخن گفتن در فضای انکاری یا تردید آلود بسیار کارآمد است؛ زیرا تأکید در کلام خداوند به مؤمنان اطمینان بیشتری می‌بخشد. آنان را در راه خداوند ثابت قدم می‌نماید. برای منکران نیز هشدار و حجت بوده و موجب تضعیف فکر آنان می‌گردد. از دیگر علل سوگندهای خداوند تعظیم و بزرگداشت آنچه بدان سوگند یاد می‌شود. غرض مستقیم سوگند به عظمت مقسم‌علیه برمی‌گردد. همچنین لازمه معنای سوگند تعظیم و شکوه

^۱. همان.

^۲. قیامت: آیه ۱

^۳. نساء: آیه ۶۵

^۴. حجر: آیه ۹۲

^۵. همان.

مقسم به است. این هدف به طور تضمینی در سوگند نهفته است. با عنایت به گوناگونی سوگندهای خداوند در قرآن اهداف دیگری نیز در آن‌ها وجود دارد. از جمله اینکه خداوند برای اثبات مطلبی سوگند را شاهد و گواه آورده و با سوگند امری را استدلال می‌کند. افزون بر حکمت‌های ذکر شده، خداوند با سوگند اسرار نهفته در مقسم به را بیان می‌کند. این مسئله موجب می‌شود؛ تا انسان با آگاهی از منافع موارد سوگند درباره آن‌ها تدبیر کند و به تمامی دانش‌های بشری دست یابد. گاهی انسان با سوگندهای خداوند متنبه شده و به یگانگی خداوند پی می‌برد. از اغراض دیگر سوگندهای خداوند اصلاح افکار انسان است، که با رد خرافات حاصل می‌شود.

فهرست منابع

✽قرآن

۱. بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه: حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول، ۱۳۷۶.
۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی (توحید در قرآن)، قم: مرکز نشر اسراء، چ چهارم، ۱۳۸۷.
۳. راغب اصفهانی، مفردات، ترجمه: سید غلامرضا خسرو حسینی، تهران: مرتضوی، چ دوم، ۱۳۷۵.
۴. رزاقی، ابوالقاسم، سوگندهای قرآن، قم: نشر توحید، ۱۳۶۱.
۵. سبحانی تبریزی، جعفر، الاقسام فی القرآن الکریم، قم: مؤسسه امام صادق(ص)، ۱۳۷۸.
۶. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه: سید محمد موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه‌های علمیه قم، چ ۲۸، ۱۳۸۸، دوره ۴۰ جلدی.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: هاشم محلاتی، تهران: ناصر خسرو، چ سوم، ۱۳۷۲.
۸. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ هشتم، ۱۳۷۱.
۹. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷.

۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ چهارم، ۱۳۹۰.
۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: زرین، چ سوم، ۱۳۸۶.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از محققین، قم: دارالکتب الاسلامیه، چ نهم، ۱۳۷۰، دوره ۲۸ جلدی.
۱۳. هاشم‌زاده هریسی، هاشم، شناخت سوره‌های قرآن، بی‌جا: کتابخانه صدر، ۱۳۷۳.
۱۴. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: الحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۵. طنطاوی، محمد سید، الجواهر فی تفسیر القرآن، مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبی، چ دوم، ۱۳۵۰ق.

مقالات

۱. خرقانی، حسن، حکمت‌های سوگند در قرآن، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۱۱، ۱۳۸۳.